



ویژه کنکور اردیبهشت ۱۴۰۳

همایش جمع بندی

پرتکرارترین تیپ‌های کنکور سراسری در ۸ ساعت
حل آزمون شبیه‌ساز و آموزش مدیریت جلسه آزمون
ارائه جدیدترین ایده‌های ترکیبی طرح سؤال توسط
مسئولین درس آزمون کانون



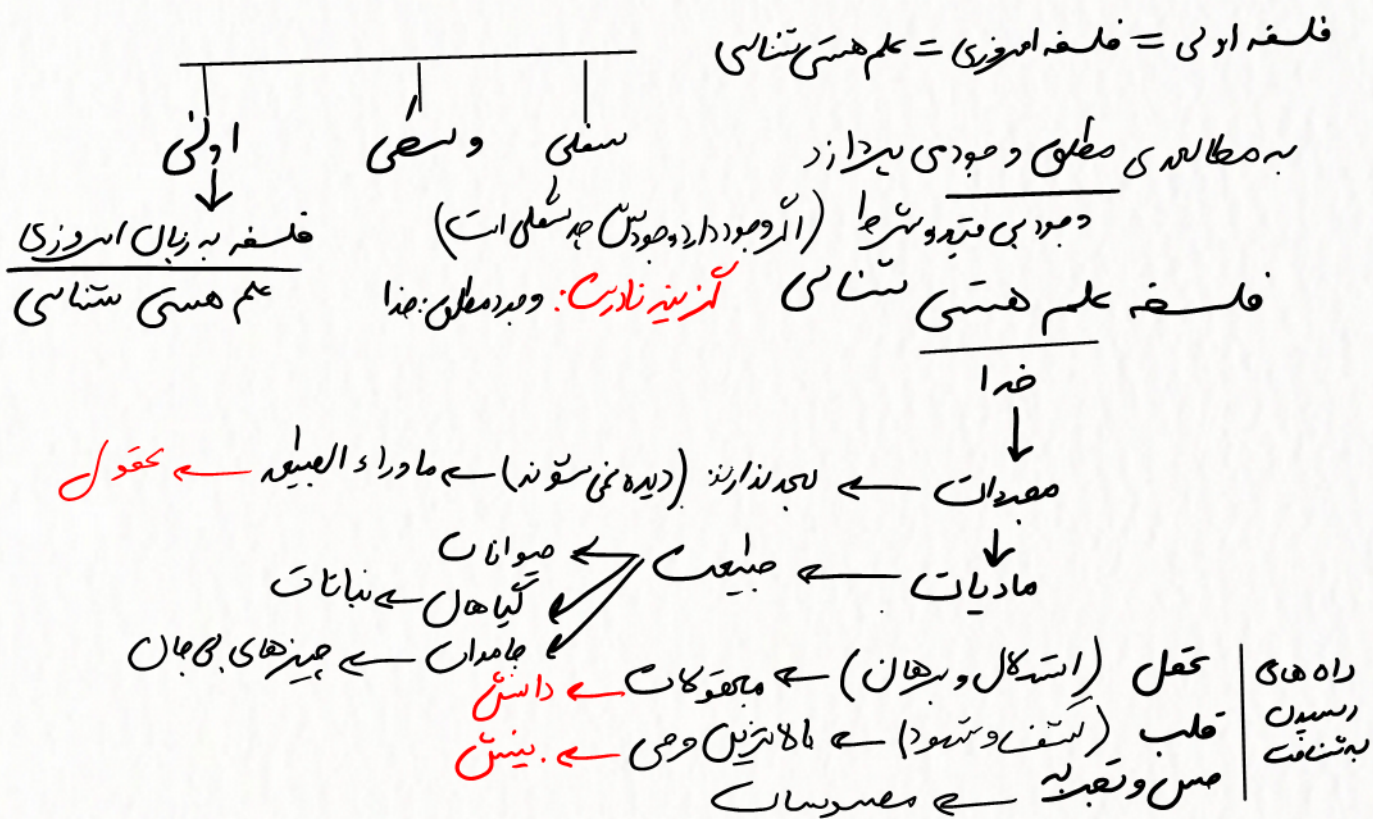
ERFANDEHDASHTI

جزوه‌های همایش و درسنامه

مقدمه هابیش فلسفه ۱۲ از پیش نیازهای فلسفه ۱۱

سوفیست ها : معنای لغوی : دانشمند ^{تکلیف معنی} مخالفه امر، سفسطه گر
 فیلسوف سفسطوس ← دوست دارد دانش ^{تکلیف معنی} دانشمند ^{مهرب} ← فیلسوف
 اولین : فیثاغذرت فیلسوفی : ((مصدر)) ← درسی داری دانش علم دانش ^{مهرب} ← دانشمند
 دومین : سقراط
 از بیان افلاطون

فلسفه



دو فلسفه ۱ تعریف : عقل گرایی ← بعضی چیزها فقط با عقل قابل شناخت است
 وجود دارد : حسن گرایی ← عقل برای شناخت به حسن نیاز دارد

فلسفه ۲ مکتب : عقل گرایی ← دکارت - فلسفه اسلامی
 دارد : حسن گرایی ← هیوم - نظریه معنا دار زندگی
 ویلیام جیمز
 کانت
 نبرگسون

نکته خاص :

کانت
 میان این نقطه
 حسن گرایان با او متعلق نداشته

علم : علم ما به فرشتگان : **علم عقلی**
 نسبی : علم فرشتگان به ما : **علم شهودی**

هستی و هستی

هر چیزی در این عالم دارای ۲ جنبه‌ی هستی و هستی است یعنی یکی وجود آن و یکی خصوصیات و ماهیت آن

هستی = وجود = اثبات - حجت - استدلال - تصدیق = چرا؟

هستی = ماهیت = تعریف و توصیف - تصور = چیست؟

ابن سینا = هستی و هستی ۲ این ذهنی هستند و ۲ مفهوم هستند و احوال را ندارد
 ۳ نظریه بسیار مهم
 هستی و هستی ← میرداماد = احوال و ماهیت و اعتباری بودن هستی و وجود
 ملاعدرا = احوال و وجود و اعتباری بودن ماهیت

ابن سینا معتقد است ← مفادیت وجود و ماهیت در ذهن

← کینیت وجود و ماهیت در عالم خارج

وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت وجه افتقار است.

۲ حل ابن سینا برای اثبات نظریه مفادیت وجود و ماهیت انجام داد:

حل ماهیت یک مفهوم بر خود مفهوم: محل محل بر موضوع منوری می شود - قضیه درست آمده همواره صادق

حل این محل بر موضوع دلیل نمی خواهد ← پس محل هستی و ماهیت بر خود آن مفهوم دلیل نمی خواهد

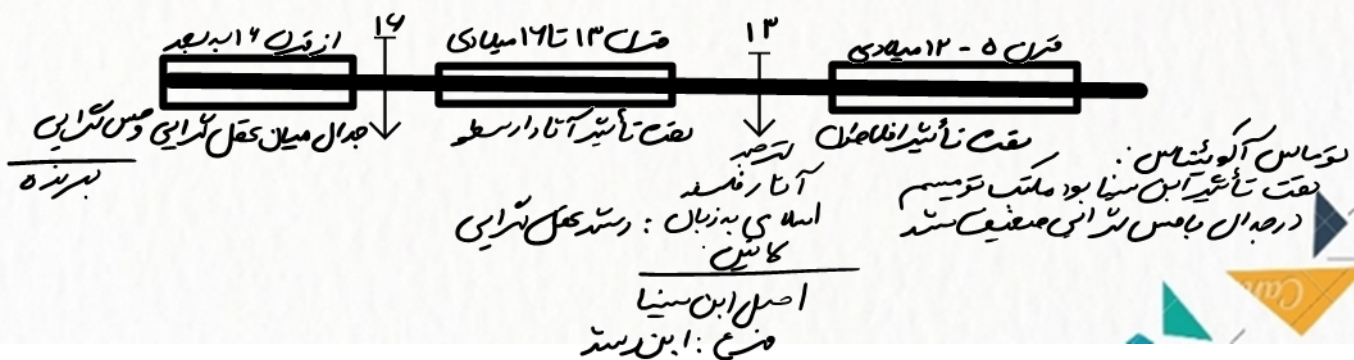
حل وجود بر یک ماهیت: محل موضوع بر محل منوری نیست - قضیه درست آمده می تواند صادق و کاذب

باشد - محل وجود بر ماهیت دلیل نمی خواهد ← پس محل وجود بر ماهیت دلیل نمی خواهد

۲ نوع حل داریم ← حل اولی ذاتی: وقتی مفهوم محل همان مفهوم موضوع باشد نیاز به دلیل ندارد منوری است

← حل شایع منطقی: وقتی مفهوم و محل با هم تفاوت دارند نیازمند دلیل منطقی

حل وجود بر ماهیت غیر منوری محل شایع منطقی است. مفهوم وجود و ماهیت غیر از هم هستند.



۱۴۸. ۱۴۸. ماهیت و وجود اشیا در ... از هم جداست و این، یعنی ...

- (۱) واقعیت - مغایرت مفهوم آن‌ها
(۲) ذهن - مغایرت مفهوم آن دو
(۳) ذهن - اعتباری بودن ماهیت
(۴) واقعیت - مغایرت آن دو

(۲) احساسات در آن دخالتی ندارد.

۸۴۸. ۱۴۸. کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟

- (۱) مفهوم وجود را می‌توان بر ماهیات حمل کرد.
(۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند.
(۳) می‌توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند.
(۴) سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان‌پذیر است.

۱۱۹۹. ۱۴۹. در کدام گزاره، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

- (۱) زمستان سرد است.
(۲) انسان فانی است.
(۳) خدا جاودانه است.
(۴) پلاتین فلز است.

۱۵۴۷. ۱۴۷. حمل یگانه بر غنی بالذات، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

- (۱) شکل بر دوزنقه
(۲) گیاه بر دارای حیات
(۳) منحصر به فرد بر مولود کعبه
(۴) دوزنقه بر دارای چهار ضلع

۱۸۹۸. ۱۴۸. حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع»، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

- (۱) دوزنقه بر شکل
(۲) متساوی‌الاضلاع بر مثلث
(۳) مثلث بر دارای اضلاع
(۴) دارای زاویه بر مستطیل

۲۴۷. ۳۲۲. کدام عبارت درست است؟

- (۱) هر چه که فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد؛ هستی و چیستی.
(۲) از میان نسب اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
(۳) اشاره کردن به چیزی، بدون این که به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیر ممکن است.
(۴) وقتی چیزی را واقعی می‌پنداریم و سپس می‌فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته‌ایم.

نسبت‌های ۳ گانه در قضایا

بر اساس رابطی موضوع و محمول و محمول بر موضوع ۳ رابطی بین موضوع و محمول

و وجود دارد عمل هر صفتی بر موضوع

مواد قضایا
 ممکن ۳ ضلعی است ← محققاً نیست (این محمول بر موضوع ضروری است) (واجب است) همواره صادق است
 ممکن قائم الزامی است ← محققاً موضوعی تواند هم این محمول را بپذیرد و هم نپذیرد (ممکن است) نامستغص
 ممکن منفی است ← محققاً موضوعی نمی تواند این محمول را بپذیرد (محال و غیر ممکن است) همواره کاذب است

عمل وجود بر ماهیت

مواد ثلاث
 واجب الوجود بالذات : وجود در ذات آن است و بپذیرش وجود برایش ضروری است
 ممکن الوجود بالذات : وجود در ذات آن نیست و بپذیرش و عدم بپذیرش برایش امکانات
 مستغص الوجود بالذات : بپذیرش وجود برایش محال است

ممکن الوجود بالذات
 ← واجب الوجود بالغیث : ماسوی الله
 ← مستغص الوجود بالغیث : از نظر عقلی نمی تواند باشد
 واجب الوجود
 ← بالذات : خدا
 ← بالغیث : ماسوی الله
 مستغص الوجود بالذات
 ← شریک خدا

موجودات
 ← ممکن الوجود
 ← واجب الوجود
 ماهیات
 ← ممکن الوجود
 ← واجب الوجود
 ← مستغص الوجود

■ برای تشخیص ممکن الوجود بودن و مستغص کاری به وجود شیخ در واقعیت نداریم بلکه از نظر ذهنی بررسی می کنیم که آیا تصور کن محققاً محال است یا خیر
 سمیع، تک شاخ : محققاً ممکن نیست : ممکن الوجود
 دایره مدیحه، صبح بدون صبح : محققاً محال است : مستغص الوجود

۴۹۹. ۱۴۹. با توجه به بحث «وجوب، امکان، امتناع» کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) هر کدام از اشیا پیرامون ما ممکن الوجود است.
 (۲) هیچ واقعیتهای ممکن الوجود نیست.
 (۳) ممکن الوجود مانند واجب الوجود یک مصداق بیشتر ندارد.
 (۴) همه واقعیات ذاتاً یا ممکن الوجودند و یا واجب الوجود.

۱۲۰۰. ۱۵۰. کدام عبارت، تعریف واجب الوجود بالغیر را به درستی بیان می کند؟

- (۱) چیزی که بر حسب ذات خود ممکن الوجود است.
 (۲) ماهیتی که چستی خود را از علت دریافت می کند.
 (۳) موجودی که ضرورت وجود او از ناحیه دیگری است.
 (۴) ماهیتی که وجوب خود را از ماهیت دیگری می گیرد.

۱۵۴۹. ۱۴۹. پدیده «A»، کدام یک از موارد باشد تا بتوانیم بگوئیم از حالت امکان ذاتی به حالت وجوب بالغیر رسیده است؟

- (۱) A، ساختمانی در ذهن یک معمار است.
 (۲) A، نهال یک بذر است که باغبان می خواهد آن را بکارد.
 (۳) A، خاکستر چوبی است که قرار است در آتش انداخته شود.
 (۴) A، حرکت مزگان چشم است زمانی که پلک ها حرکت می کنند.

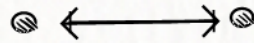
۱۴۷. ۲۴۷. رابطه میان موضوع و محمول در قضایای «برخی دانشجویان دیپلمه نیستند» و «استوانه وزن ندارد» به ترتیب، کدام است؟

- (۱) امکانی - امکانی (۲) امکانی - وجوبی (۳) امتناعی - امتناعی (۴) امتناعی - وجوبی

جهان علمی و معلولی

در جهان ما ۲ نوع رابطه وجود دارد :

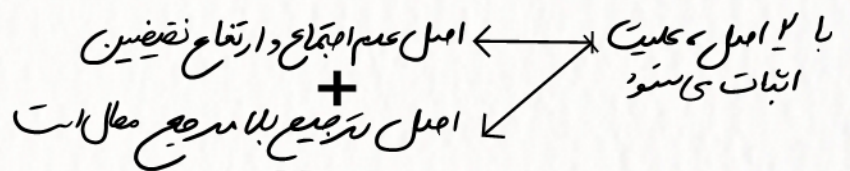
بعد از وجود طرفین : یعنی رابطه ای که پس از وجود آمدن ۲ طرف بین آنها ایجاد می شود مثل علمی و معرکه پس از حضور درلاس رابطه ای دوستی بین آن دو بوجود می آید



داخل در وجود طرفین : یعنی یک طرف رابطه وجود دارد و طرف دوم رابطه را بوجود می آورد و وجود طرف دوم وابسته

به وجود طرف اول است

اسم رابطه دوم رابطه علیت است و در این رابطه وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است و اگر علت نباشد معلول آن هم حتماً نخواهد بود و اگر علت هم نباشد معلول هم نخواهد بود



II

اصل علیت

اصل عدم اجتماع در ارتفاع نقضین یعنی دو چیز نقض هم نمی توانند با هم باشند یا هم نباشد یعنی چیزی که نیست نمی تواند باشد و اگر از نیست به هست می خواهد بیاید نیاز به یک مرجع یا علت دارد (مرجع پس هیچ چیز بی علت بوجود نمی آید ؛ حادث آن چیزی است که وجودش از خودش نیست و وجودش منوطاً است. حال اگر علتی به او وجود نداده باشد به معنای این است که بدون مرجع بدین آمده و این امری محال است.

اصل های فیزی علیت

علیت دارای ۲ اصل فیزی است : زمانی که علیت را بنویسیم باید آن را اصل را بنویسیم
→ ارتباط و پیوستگی پدیده های جهان

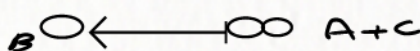
اصل اول → سنسیت : هر علتی فقط معلول خاص خود را بوجود می آورد و در معلولی فقط

از علت خاص خود بوجود می آید پس به نظم و قانون حاکم بر روابط گندم از گندم برود و بوزو

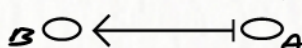
اصل دوم : و موب علمی : اگر علت باشد معلول ضرورتاً باید بوجود آید به شرطی که علت کامل باشد

سبب ضرورت و حقیقت جهان هستی

علت ناقصه : علتی است که برای بوجود آوردن معلول کفایت نمی کند اما کافی نیست



علت تام : علتی است که برای بوجود آوردن معلول کفایت و لازم و کافی است



۱۴۹. ۱۴۹. انکار اصل علیت طبق نظر هیوم که از فلاسفه امپریست است، در اصل از کدام دیدگاه ناشی می‌شود؟

- (۱) علیت را در تجربه نمی‌توان یافت.
- (۲) علیت تکرار متوالی دو حادثه است.
- (۳) تجربه مبنای هر نوع شناختی است.
- (۴) علیت با تبیین عقلانی درک می‌شود.

۵۰۰. ۱۵۰. تجربه‌گرایان در رابطه با اصل علیت کدام مورد را انکار می‌کنند؟

- (۱) بدیهی بودن رابطه علیت
- (۲) تأثیر حس بر بنا نهادن اصل علیت
- (۳) تأثیر مشاهدات بر باورهای انسان
- (۴) تعاقب برخی از حوادث نسبت به هم

۸۵۰. ۱۵۰. کدام مورد، عبارت را مطابق نظر فیلسوفان مسلمان کامل می‌کند؟

«هنگامی که حرارت فلزی را منبسط می‌کند، ...»

- (۱) تجربه کشف می‌کند که حرارت، علت انبساط فلز است.
- (۲) حس، انبساط فلز و تجربه علت منبسط شدن فلز را درک می‌کند.
- (۳) بداهت عقلی حکم می‌کند که فلز به خاطر حرارت منبسط شده است.
- (۴) تجربه حرارت را علت انبساط فلز یافته و اصل علیت را نتیجه می‌گیرد.

۱۲۰۱. ۱۵۱. نظریه هیوم در مورد علیت، درصدد تبیین کدام مسئله است؟

- (۱) بررسی نقش روان در باور رابطه علیت
- (۲) چرایی باور عمومی آدمیان به اصل علیت
- (۳) بررسی نقش عقل در باور رابطه علیت
- (۴) چگونگی کشف علت‌های طبیعی توسط تجربه

۱۵۴۸. ۱۴۸. کدام عبارت درباره علیت، مورد اختلاف دکارت و فیلسوفان مسلمان است؟

- (۱) اصلی فطری و بدیهی است.
- (۲) دانش بشری متکی بر آن است.
- (۳) درک آن از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست.
- (۴) مصادیق آن بدون تجربه قابل شناخت نیستند.

۱۸۹۹. ۱۴۹. در کدام عبارت، لفظ «باید» نشان‌دهنده وجوب علی و معلولی است؟

- (۱) برای نماز خواندن باید وضو گرفت.
- (۲) انسان باید راستگو و درستکار باشد.
- (۳) وقتی از مدرسه آمدی باید تکالیف را انجام دهی.
- (۴) وقتی در قفل نیست و اشکالی وجود ندارد، باید در باز شود.

۲۴۸. ۱۲۸. کدام عبارت درست است؟

- (۱) درک علت برخی از حوادث، به استفاده از حس و تجربه نیازی ندارد.
- (۲) از نظر هیوم، ضرورت میان علت و معلول نوعی تداعی در ذهن ایجاد می‌کند.
- (۳) دکارت معتقد است انسان علت هر معلولی را با درکی فطری، متوجه می‌شود.
- (۴) همه فیلسوفان توافق دارند که بدون تلاش‌های تجربی، پذیرش علیت ممکن نیست.

۳۲۳. ۲۴۸. نظریه فیلسوفان مسلمان درباره علیت، به کدام سؤال پاسخ می‌دهد؟

- (۱) ذهن چگونه از تجربه، به رابطه علیت پی می‌برد؟
- (۲) انسان چگونه رابطه علیت را درک کرده است؟
- (۳) چرا پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند؟
- (۴) ذهن چگونه رابطه علیت را می‌سازد؟

۱۲۸. ۱۲۸. در کدام مورد، نسبت میان موضوع و محمول در هر دو قضیه یکسان است؟

- (۱) آب مایعی بی‌رنگ است. - فعل کلمه‌ای است که انجام کاری را می‌رساند.
- (۲) چوب عایق است. - یکی از انواع ویروس‌ها، ویروس آنفلوانزا است.
- (۳) کره زمین دارای آب است. - هر جسمی دارای مکان است.
- (۴) اکسیژن، از انواع گازها است. - فلز نوعی ماده است.

درس ۴ - فلسفه ۱۲

کدام تصویر از جهان

معنای اول: عدم وجود رابطی اصحیت بین علت و معلول (انکار وجوب علی و معلولی) و بوجود آمدن یک معلول بدون علت (انکار اصل علیت) یک پذیرنده علت نام دارد ولی رستد نمی کند - یک پذیرنده علت نام ندارد ولی رستد می کند. هیچ فیلسوفی به طور صدیقم موافق معنای اول نیست

معنای ۲ - خانه اتفاق

معنای دوم: از هر علت می توان توقع پدید آمدن هر معلولی را داشت (انکار سنخیت) پذیرش آن مساوی با: سلب قدرت پیش بینی - بی اعتبار شدن هر معلوم - بی نظمی در جهان از نظر بسیار از فلاسفه مسلمان و برخی فیلسوفان اروپایی امکان پذیر نیست طلوع خورشید ← زلزله آمدن

معنای سوم: پذیرفتن اتفاق همچو کائنات نفس نیست و آفریده را به دنبال دارد.

پیراسته دیدگاه فلاسفه نسبت به این معنای نسیم اتفاق
 معتقدین به علّة الکل (الله) مخالف معنای سوم
 عدم اعتقاد بعلّة الکل (مادی گرا) موافق معنای سوم
 منکر ضا و نه اما بلی جهان و انسان غایت از تقاری گیرند مخالف معنای سوم

معنای چهارم: نشان دهنده یک اتفاق پیش بینی سده به علت اهلای کیم ما از مصیبت اهل ایمان

و هیچ تقاضی با اصل علیت و فروع آن ندارد.

۱۵۱. کدام عبارت مفهوم «شانس» در اصطلاح عامیانه را به نحو مناسب‌تری تحلیل می‌کند؟

- (۱) نفی قانون علیت؛ به این معنی که هر معلولی، از هر علتی صادر می‌شود.
- (۲) عاملی خارج از قانون علیت که بر روند امور یک شخص تأثیر می‌گذارد.
- (۳) نفی قانون علیت، به این معنی که میان علت و معلول رابطه ضروری وجود ندارد.
- (۴) اعتقاد به این که در زنجیره حوادث زندگی، تعیین اهداف نهانه امکان‌پذیر نیست.

۱۵۲. مصرع زیر دقیقاً اتفاق به کدام معنا را رد می‌کند؟

«چو بد کردی مباش ایمن ز آفات»

- (۱) نفی اصل سنخیت
- (۲) نفی غایت‌مندی
- (۳) نفی علت‌العلل
- (۴) نفی اصل وجوب علی

۱۴۹. ۲۴۹. کدام عبارت درست است؟

- (۱) معلول با صرف‌نظر از علت خود، امکان ذاتی دارد؛ اما غیرممکن است که با وجود علت تامه یا ناقصه، بر حالت امکان ذاتی باقی بماند.
- (۲) هیچ فیلسوفی وجود ندارد که وقوع اتفاقی حوادث را امکان‌پذیر بدانند؛ به عبارت دیگر، همگی باور دارند که میان هر حادثه با علل آن، رابطه ضروری برقرار است.
- (۳) اگر فیلسوفی معتقد باشد که اصل سنخیت از طریق تجربه به‌دست می‌آید، نمی‌تواند وقوع اتفاق - به معنای نفی اصل سنخیت - را در حوادث بعدی، غیرممکن بداند.
- (۴) هر چند هیوم معتقد است رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست، اما در نهایت از یک راه تجربی آن را تبیین می‌کند؛ یعنی اصل علیت را تجربی می‌داند.

۱۳۹. ۱۳۹. کدام مورد، عبارت را هماهنگ با نظر تجربه‌گرایان و به‌درستی کامل می‌کند؟

«انسان بارها مواردی مانند سوختن چوب پس از آتش گرفتن یا روشنی زمین پس از طلوع خورشید را مشاهده کرده و ...»

- (۱) تصور کرده است که میان این‌گونه پدیده‌های متوالی، رابطه‌ای تخلف‌ناپذیر وجود دارد.
- (۲) متوجه شده است که میان برخی پدیده‌ها، نوعی رابطه ضروری برقرار است که آن را علیت می‌نامیم.
- (۳) نتیجه گرفته است که کشف پدیده‌های متوالی، فقط از طریق تجربه و آزمایش امکان‌پذیر است.
- (۴) کشف کرده که اصل علیت، مصادیقی دارد مانند سوختن چوب در آتش یا روشنی زمین در اثر طلوع خورشید.

فدا در فلسفه مشتمل اول

اخلاقون ← نظرات کلی ← فدا می‌باید با ویژگی‌های روشن - کار خداه فدا و بر اساس حکمت و برای هدف نهایی - ویژگی‌های مطلق الهی

مثال فیر
مناظر (میتواند)
اهد صند در پیر آن دارای حقیقتی هستند و همانطور که روشنائی بسبب نور سیاهات اما نور سیاه نیست حقایق نیز بسبب به مثال فیر هستند نه فدا آن

صداغ یعنی نظم دهنده به بی نظمی - بیان اولیه به جهان نظم: نگاه به سخن درباره نظم جهان این است که کل جهان در زیر فرمان کحل قرار دارد

✓ فداوند در مرتبه ذات مثال حیداست - فداوند در مرتبه خلعت صداغ یاد می‌گیرد است - که بسیاری آنها را این حقیقت می‌دانند در ۲ مرتبه

ارسطو با استدلال قوی - اراده به جهان حایی به فدا و مبد آن تسخیر جهان - قدم‌های اولیه‌ی سست‌هکم

وزنیه ساز قد‌های بعد است

برهین ارسطو در اثبات فدا
← **به جهان برترین در جهان کمال** ← خوب تر و بهتر - خوب مطلق و کامل مطلق تا با اوضوب‌ها مقایسه می‌شوند - برتر از هر

← **به جهان نظم** ← نظم و انتظام جهان از موجودی جاوید آن در برتر از ماده

← **به جهان حرکت** ← وجود حرکت نیازمند یک محرک و آن محرک نیازمند حرکت دیگر است و سلسله محرک‌ها تا جایی نهایت جبهه خواهد رفت و چنین تسلسلی کلاً محال است

نگار دانش‌مندی از حقیقتی نامتناهی، دانای توانا که خالق همه چیز است:

این تصور از موجود متناهی مثل خود نمی‌تواند باشد

این تصور از موجود نامتناهی است که به من دارد (سده فدا)

دیوید هابز از نظر او از طریق حس مثل تعبیه که این قبلی و نه استدلال‌های صدق عقلی نمی‌توانند فدا را اثبات کنند

او اعتقاد دارد هم‌بخش به جهان فیلسوفان الهی نظم است که از تعبیه که فیر شده

اما نهایی

می‌تواند یک ناظم و مدیر را اثبات کند

نمی‌تواند یک خالق نامتناهی و واجب بالذات را اثبات کند

کانت به مدافع کحل کلان قبلی نه از طریق موقوفات و نه از به جهان کلیت و یا به جهان وجود و

امکان فدا را اثبات نکرد بلکه ضرورت وجود فدا را از طریق اخلاق اثبات کرد

زندگی اجتماعی - اخلاق - اختیار و اراده - نفس عین مادی - جهان آخرت - ضرورت وجود فدا

ویدیو چینه

(تعبیر کرا - به انگلیسی) می گوید من مقدم دلیل وجود خدا عمدتاً در تعبیه های معنوی
 درونی مانده است - بارازو نیاز و محلات حالت روحی داریم و احساس معنایی را درک می کنیم که
 قبل از آن محلات از آن می بهره بودیم: تعبیر سقزی (دینی)

هائری بربسول

(تعبیر کرای سهندگرا) ادهم از تعبیریه های معنوی (درونی و محسوس و عرفان لدی البات
 خداوند استغلا کدر (چینه)

کرا لگور:

معقده است ایمان هدیه الهی است که خداوند به انسان عطای کند خدا انسان مؤمن را
 برمیگزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی ساسیتری این بخشش نشود زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

کاتینلها

(نوسینده) می گوید: قبول خداوند زندگی ما را در سبب قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت
 می سازد راین امید برای هدیه که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانگی افتاده ایم که در آن هیچ
 ادبی در زندگی اهمیت ندارد می توانیم پناهگاهی بیابیم

۱۵۰. ۱۵۰. از نظر افلاطون خداوند ...

- (۱) نوعی از هستی نیست.
- (۲) در تغییر است.
- (۳) محرک غیرمتحرک است.
- (۴) از طریق عقل درک می‌شود.

۱۵۱. ۱۵۱. در استدلال دکارت بر اثبات وجود خدا، ... از ... نتیجه گرفته می‌شود.

- (۱) موجود نامتناهی - موجود متناهی
- (۲) موجود نامتناهی - تصور موجود نامتناهی
- (۳) موجود نامتناهی - تصور موجود متناهی
- (۴) تصور موجود نامتناهی - موجود نامتناهی

۸۵۲. ۱۵۲. کدام عبارت درست است؟

- (۱) کانت وجود خدا را از طریق نفس غیرمادی انسان اثبات می‌کند.
- (۲) به اعتقاد ویلیام جیمز، عمده دلایل وجود خدا تجربی هستند.
- (۳) هیوم براساس دلایل حسی تجربی اثبات می‌کند که خدا وجود ندارد.
- (۴) به عقیده دکارت، تصور موجود نامتناهی نمی‌تواند از جانب موجود متناهی باشد.

۱۲۰۳. ۱۵۳. اساس استدلال دکارت بر اثبات خدا، کدام است؟

- (۱) تصور خدا
- (۲) وجود نامتناهی
- (۳) قدر بودن خدا
- (۴) مخلوق بودن من

۱۵۵۰. ۱۵۰. در کدام عبارت، روش به کار گرفته شده برای اعتقاد به خداوند با بقیه متفاوت است؟

- (۱) هر جا که خوب‌تر و بهتر هست، خوب‌ترین و بهترین هم هست، پس حقیقتی هست که خوب‌ترین و بهترین است و او همان واقعیت الهی است.
- (۲) باور خدا به زندگی معنا می‌دهد و ارزش‌های اخلاقی را به همراه می‌آورد؛ خدایی که مبدا خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد؛ پس باید او را باور داشت.
- (۳) نم‌شود نظم و انتظامی بر جهان حاکم باشد، مگر این که موجودی جاودان و برتر از ماده در کار باشد؛ زیرا هر جا که نظم وجود دارد، باید ناظمی هم باشد.
- (۴) انسان از حقیقت نامتناهی تصویری دارد؛ این تصور نمی‌تواند از خود انسان که متناهی است، باشد؛ پس از جانب وجودی نامتناهی به انسان داده شده است.

۱۹۰۰. ۱۵۰. کدام یک جزء مقدمات برهان حرکت نیست؟

- (۱) هر متحرکی نیازمند محرک است.
- (۲) تسلسل از نظر عقلی محال است.
- (۳) در عالم طبیعت حرکت وجود دارد.
- (۴) محرکی وجود دارد که خودش حرکت ندارد.

۱۵۰. ۲۵۰. اولین مقدمه برهان حرکت ارسطو کدام است؟

- (۱) تسلسل محال است.
- (۲) در جهان حرکت وجود دارد.
- (۳) محرکی وجود دارد که متحرک نیست.
- (۴) اگر چیزی محرک باشد، نباید متحرک باشد.

۲۴۹. ۳۲۴. کدام عبارت با دیدگاه‌های افلاطون ناسازگار است؟

- (۱) نظم، از عقل ناشی می‌شود و در آن ریشه دارد.
- (۲) امر تغییرناپذیر را فقط با تعقل می‌توان درک کرد.
- (۳) ساختار کلی جهان را با چند خدایی نمی‌توان توضیح داد.
- (۴) مثال خیر چون خورشیدی است که از حقیقت پرتو می‌گیرد.

۱۴۰. ۱۴۰. هیوم، دلایل دکارت و دیگر فیلسوفان عقل‌گرا را درباره خداوند نامعتبر می‌داند، زیرا معتقد است:

- (۱) مهم‌ترین برهان بر اثبات وجود خدا، برهان نظم است.
- (۲) هیچ نوع شناختی مستقل از حس و تجربه وجود ندارد.
- (۳) این براهین توانایی اثبات واجب‌الوجود بالذات را ندارند.
- (۴) برای اثبات خدا، فقط دلایل تجربی از اعتبار برخوردارند.

درس ۹ فلسفه ۱۲ خدا در فلسفه - قسمت دوم

فیلسوف کسی نیست که حقیقه‌ای نداشته باشد بلکه کسی است که بر اساس قواعد فلسفی حقیقه را پدید می‌آورد و با همان قواعد از آن دفاع می‌کند دفاع با استدلال.

برهان فارابی برهان اسد و افقند - معکم تدو کو تاد ندر - برهان علیة العلل

① اصل علیت → هر معلومی از عللی پدید آمده است

② اصل تقدم علت بر معلوم → اول به صورت کلی علت یک چیز پدید می‌آید سپس معلول

③ اصل بطلان تسلسل علل نامتناهی

برهان ابن سینا

مقدمه ۱: ممکن الوجود بالذات بودن موضوعات

مقدمه ۲: نیازمندی ممکن الوجودهای بالذات برای ظهور از سنخ‌های به واجب الوجودی بالذات پس: موضوعات جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند

نام دیگر این برهان وسط و طرف است

⑤ با نام نظریه وجوب دامکان در کتاب سفا سفن گفته و با نام طرف و وسط در کتاب اشارات و تفسیرات دوباره از نظریه خود یاد کرده است.

برهان ملا صدرا امکان فقری - فقر وجودی

مقدمه ۱: بازنگری بر هر موجودی می‌بینیم که وجودش عین نیاز و وابستگی است

مقدمه ۲: موجود نیازمند باید به موجودی وابسته که در ذات خویش عین نیازمند باشد.

نتیجه: پس هر یکی موضوعات به موجودی عین نیازمند و غیر وابسته، وابسته هستند.

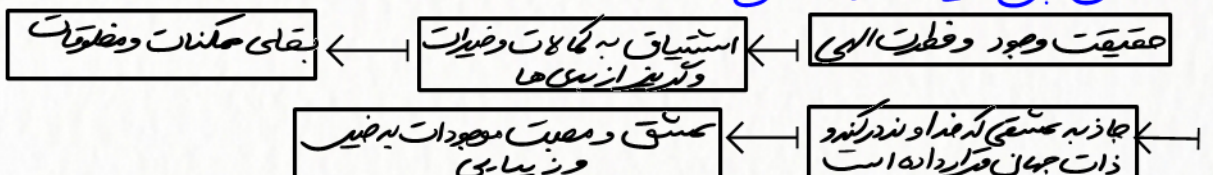
بنابراین از نظر ابن سینا موجودات ۲ گونه اند:

① وجود بی نیاز و غیر وابسته

② وجودهای نیازمند و وابسته

معیار زندگی مصلحت از نظر فیلسوفان مسلمان
 ← خلیف منزه فتن جهان
 ← هر فتنه دامنش انسان و مستضعف کرد و هدف
 ← قائل بودن تراشیدن به جبر برای انسان
 ← معیبه دانستن آن مانعای خرابی از زندگی ما
 اساس معتقد در برابر دید وجود متعالی

سفر ابن سینا درباره عشق



۱۵۱. ۱۵۱. کدام عبارت، معنای تسلسل علل نامتناهی را به درستی نشان می‌دهد؟

- (۱) وجود علت‌العلل یا علت نخستین، ضامن تحقق زنجیره علت و معلول‌ها باشد.
- (۲) سلسله علت‌ها و معلول‌ها به علتی منتهی گردد که وجود آن علت، از علت دیگری صادر نمی‌شود.
- (۳) وجود یک شیء قائم به علتی باشد و آن علت نیز قائم به علت دیگر و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد.
- (۴) هر علتی معلول خاص خود را داشته باشد و آن معلول نیز علت خود باشد و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد.

۱۵۲. ۵۰۲. کدام عبارت با دیدگاه ابن‌سینا از عشق سازگاری ندارد؟

- (۱) منظور ابن‌سینا از عشق لزوماً ناظر بر انسان نیست.
- (۲) جاذبه عشق الهی، علت محبت بین انسان و جهان است.
- (۳) بقای همه ممکنات از جمله انسان بر پایه عشق است.
- (۴) عشق از دیدگاه ابن‌سینا صرفاً عامل بقاست.

۱۵۳. ۵۵۳. کدام تمثیل برای بیان برهان فارابی مبنی بر اثبات وجود خداوند، مناسب‌تر است؟

- (۱) مدیر یک شرکت، پرداخت وام را در صورت تأمین اعتبار و تأمین اعتبار را به شرط تصویر مجلس ممکن می‌داند.
- (۲) کسی که می‌خواهد روی کاغذ مطلبی بنویسد، علاوه بر قلم، کاغذ، مرکب و سایر عوامل، به اراده نیز نیازمند است.
- (۳) در دو کفه ترازو که در حالت استوا قرار دارد، سنگینی یک کفه نسبت به دیگری، نیازمند عاملی بیرونی است.
- (۴) فردی که دو لیوان یکسان آب در مقابلش قرار دارد، برای ترجیح یکی از دو لیوان بر دیگری، نیازمند علت است.

۱۵۴. ۵۵۴. پیش‌فرض سخن زیر، کدام عبارت است؟

- «اگر چیزی بدون علت می‌توان وجود داشته باشد، تفاوتی نمی‌کند که آن چیز، خدا باشد یا جهان»
- (۱) هر چه موجود است، به علت نیاز دارد.
 - (۲) هر ممکن‌الوجودی به واجب‌الوجود نیاز دارد.
 - (۳) هر چه به وجود آمده است، نیازمند علت است.
 - (۴) هر چیزی که وجودش وابسته است، به موجودی مستقل اتکا دارد.

۱۵۴. ۱۲۰۴. کدام عبارت، اصطلاح «تسلسل علل نامتناهی» را به درستی توضیح می‌دهد؟

- (۱) هر موجودی معلول علتی و آن علت، معلول علتی دیگر باشد.
- (۲) علل و معلول‌های مترتب بر هم، منتهی به هیچ معلول غیرعلتی نشوند.
- (۳) علل و معلول‌های مترتب بر هم، منتهی به هیچ علت غیرمعلول نشوند.
- (۴) موجودات بی‌شماری وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطه علی دارند.

۱۵۵. ۱۵۱. کدام عبارت درست است؟

- (۱) براساس قاعده علیّت، هر چیزی باید علتی داشته باشد.
- (۲) اساس برهان فارابی در اثبات خدا، تقدم علت بر معلول است.
- (۳) نتیجه برهان وجوب و امکان، تقسیم واجب‌الوجود به بالذات و بالغیر است.
- (۴) تسلسل علل نامتناهی یعنی موجودات زیادی وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطه علی دارند.

۱۵۱. ۱۹۰۱. کدام مورد با نظرات فیلسوفان مسلمان سازگار است؟

- (۱) معناداری زندگی انسان بدون پذیرش واقعی وجود خدا، غیرممکن است.
- (۲) مقدمه مشترک همه براهین اثبات خدا، نیازمندی هر موجودی به علت است.
- (۳) عقل وجود خدا را اثبات می‌کند و این، برای معنابخشی به زندگی کافی است.
- (۴) فیلسوف، وجود خدا را به دلایل دینی می‌پذیرد و سپس می‌کوشد تا وجود او را اثبات کند.

۱۵۱. ۲۵۱. کدام عبارت درست است؟

- (۱) یکی از نتایج مهمی که ابن‌سینا از برهان خاص خود بر اثبات خدا می‌گیرد این است که واجب‌الوجود بالغیر وجود دارد.
- (۲) فارابی بر این‌سینا در براهین خود بر اثبات خدا، هر یک به شیوه‌ای، اصل علیّت را مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند.
- (۳) فیلسوفان مسلمان براساس این اصل که هر چیز علتی دارد، نتیجه می‌گیرند که سلسله علت‌های جهان به یک علت غیرمعلول منتهی می‌شود.
- (۴) هر بهانه‌ای که اثبات کند در رأس سلسله علل، باید یک علت غیرمعلول باشد، در عین حال که محال بودن تسلسل را نشان داد، وجود خدا را هم اثبات کرده است.

۲۵۰. ۳۲۵. کدام عبارت، وجه تمایز برهان خاص ابن‌سینا و ملاصدرا را در اثبات خدا، به نحو دقیق‌تری بیان می‌کند؟

- (۱) ملاصدرا برخلاف ابن‌سینا، ماهیت را نسبت به وجود و عدم علی‌السویه نمی‌داند.
- (۲) ابن‌سینا از رابطه میان علت و معلول استفاده می‌کند و ملاصدرا از رابطه بی‌نیاز و نیازمند.
- (۳) ابن‌سینا از تساوی موجودات نسبت به وجود و عدم می‌گوید و ملاصدرا از فقر آن‌ها نسبت به غنی بالذات.
- (۴) ملاصدرا هستی موجود را عین وابستگی او می‌داند و ابن‌سینا تساوی ذات موجود نسبت به وجود و عدم را ملاک نیازش.

۱۴۱. ۱۴۱. کدام یک، از مقدمات برهان فارابی بر اثبات خدا شمرده نمی‌شود؟

- (۱) فقط در صورتی که علت وجود داشته باشد، معلول هم هست.
- (۲) ممکن است یک علت، در عین حال معلول هم باشد.
- (۳) هر چه که واقعیت دارد، باید دارای علتی باشد.
- (۴) بی‌شک، موجوداتی در جهان وجود دارند.

حقل در فلسفه چیست اول :

۲- مقصود از حقل ← حقل به عنوان دستگاه تفکر
 ← حقل به عنوان موضوعی عالی و برتر از ماده

حقل به عنوان دستگاه تفکر

کاملترین تعریف حقل توسط علامه طباطبائی در کتاب المیزان گفته شده

حقل توانمندی است که به ملک آن استدلال می کنیم و از این طریق بدانش ها و حقایق دست می یابیم
 این قابلیت و توانمندی استدلال کردن در ابتدای کودکی به حدت بالقوه وجود دارد و با تمرین و تربیت به فعلیت می رسد.

حقل به عنوان موضوعی عالی و برتر از ماده :

عالم حقل یا عالم عقول صحتی از عالم خیره مادی است و موجودات معبر و حکمانی در آن قرار دارند.

فیلسوفان الهی حقل را همان فرشتگان می دانند.

علم نبوی | علم ما به فرشتگان : علم حقلی و استدلال حقلی
 علم فرشتگان به ما : سرود حقلی

روح انسان :

روح چون باصبع انسان در هم آمیخته است برای شناخت نیاز به استدلال دارد
 - استعداد رسیدن به مدرک وجودی عقول (در عالم قرار بگیرد و حقایق را از طریق بدست آورد)
 - می تواند با تهذیب نفس کامل از عصب و ماده معبر شود.

حقل در یونان باستان

هراکلیتوس : از حقیقی به نام لوگوس سخن می گوید :

① به معنای حقل، حقیقی که جهان و اشیا ظهور و ظهور آن هستند ← بیان علم و حکمت و کلمات حقل منطقی
 ② به معنای منطق، کلمات و سخنان که ظهور و ظهور حقل هستند ← بیان قوه ای استدلال و حقل بشیر سخنان و کلمات
 ارسطو : به هر دو معنی حقل توجه داشت اما به حقل به عنوان قوه ای استدلال توجه ویژه ای داشت
 تقسیم حقل به : نظری : هست و نیست ها
 عملی : کارکرد در کارهای امتیاز (بالیها و بنایها)
 بانی و بنای استدلال هاد منطق و تعریف
 انسان به عنوان ناظر به صورت
 روشن سری از حقل می چرخد

عقل نزد فیلسوفان اروپایی (از رنسانس تا اکنون)

- ④ دوره اول حاکمیت کلیسا (۳ تا ۱۹م) یک معنای عقل و آن هم قوه استدلال: دفاکت و چون و چرایی عقل را حامل تضعیف ایمان می دانستند / برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطنانی می دانستند و ایمان قوی را از آن کسی می دانستند که در برابر شبهه های عقل با بسته و در ایمان خود استوار بماند.
- ④ دوره دوم حاکمیت کلیسا (پهضم ۱۱ تا ۱۳م): فیلسوفان مسیحی بقت تأثیر کتاب های ابن سینا و ابن رشد و فلاسفه مسلمان دیگر (بعضاً هر دو معنای عقل) ← روی آوردن به عقل و تبیین حکلهائی مسائل دینی.
- چون بامبانی کلیسای کاتولیک ساز و قری نداشت به حاکمیت عقل در برابر دین انفا مید (عقل < دین)
- ④ از ابتدای رنسانس (تقابل با کلیسا): تحولات اجتماعی و فکری را رقم می زد: عقل جای دین را گرفت و دین را به حاشیه زندگی انسان راند / عقل جایگاه ممتازی بید آمد و دین به معیار و مرجع دینی افکار و عقاید شد
- فرانسیس بیکن: روش تجربی را بهترین روش برای زندگی بشر و پیشرفت آن می دانست ← از فیلسوفان خواست تا از بت های سافه فیهی فیلسوفان قدیم (استدلال عقلی بعضی) دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید اکتفا کنند.
- دکارت: یک معنی عقل (دستگاه استدلال) ← آشنایی با ریاضیات ← قبول همه توانایی های عقل مثل دانستن بدیهیات عقل / استدلال عقلی بعضی و تجربه / او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مصدر انسان (اهتیار او را) با استدلال اثبات کند.
- آگوست کنت: کار عقل در تأسیس علم نه کاملاً ذهنی است / کارکرد عقل صرفاً بار روش تجربی و حسی به تولید علم و به شناخت واقعیت نا اهل می شود ← ناظر به واقعیت نیست
- ← کارکرد عقل بعضی به ریاضیات تقلیل می یابد و امور ماورایی مثل نفس مصدر و رسیه احقاق و خدا ... مغفول می ماند.

۱۵۵۲. ۱۵۲. کدام عبارت بیانگر نظر آگوست کنت است؟

- (۱) نهایت تلاش عقل در شناخت واقعیات، استفاده از مشاهدات برای دستیابی به دانش‌های تجربی و پیشرفت در آن است.
- (۲) شناخت واقعیت کار حواس است و آنچه نقش عقل در علم تجربی پنداشته می‌شود، بر ساخته فیلسوفان است.
- (۳) روش معتبر در شناخت واقعیت، تجربه علمی است و عقل که به امور انتزاعی اختصاص دارد، دخالتی در آن ندارد.
- (۴) در دستگاهی که فیلسوفان از جهان ارائه می‌دهند، اصول عقلی را با ساخته‌های ذهن خود، ارائه می‌دهند.

۱۹۰۲. ۱۵۲. کدام عبارت، عقل عملی را به‌درستی و با دقت بیشتری توضیح می‌دهد؟

- (۱) آن عقلی که به علوم عملی، یعنی بایدها و نبایدها، مهارت‌ها و فنون اختصاص دارد.
- (۲) جنبه‌ای از عقل که بایدها و نبایدها را مورد بررسی و شناخت قرار می‌دهد.
- (۳) آن بُعد از وجود انسان که به انجام بایدها و پرهیز از نبایدها مبادرت می‌ورزد.
- (۴) نوعی از عقل که به رفتارهای اختیاری و باید و نبایدهای او اختصاص دارد.

۲۵۲. ۱۵۲. شناخت کدام مورد، به دانش عملی مربوط می‌شود؟

- (۱) قوانینی که دلایل افول و نابودی تمدن‌های انسانی را نشان می‌دهند.
- (۲) عواملی که باعث شده رفتار انسان از سایر انواع حیوان متمایز باشد.
- (۳) قوانینی که در تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی مؤثر هستند.
- (۴) عواملی که باعث مقاومت بدن در مقابل بیماری‌ها می‌شوند.

۲۵۱. ۳۲۶. شناخت کدام مورد به دانش عملی مربوط می‌شود؟

- (۱) حد اعتدال قوای سه‌گانه نفس انسانی
- (۲) ویژگی ذاتی انسان و کارکردهای آن
- (۳) بررسی تجرد یا مادیت نفس انسان
- (۴) بررسی ویژگی‌های مغز انسان

۱۴۲. ۱۴۲. کدام عامل نزد حکمای مسیحی قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، به حاکمیت عقل در برابر دین منجر گردید؟

- (۱) کشف توانایی عقل برای اثبات و تبیین مسائل دینی
- (۲) انشعاب فیلسوفان اروپایی به دو دسته عقل‌گرا و تجربه‌گرا
- (۳) روی آوردن فیلسوفان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی
- (۴) ناسازگاری میان تبیین عقلانی مسائل دینی با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک

حقل در فلسفه - قسمت دوم

❗ **دو سئو متفاوت با حقل از سوی ابن عربی بیان شده است:**

① **تنگ کردن مفهومی اعتبار و کارآمدی حقل در عین پندیدن آن:** برخی روش های استدلالی و عقلی و برخی کارکردهای حقل را دارد در دین نمی دانسته و کسانی که این کار را می کنند چهار خطای استونند.

② **مغالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوردهای یونانی و خدای اسلامی:** وارداتی دانستن دانش فلسفه از یونان و اینکه حکایه سقراط و افلاطون و ارسطو است و سازگار با حکایه اسلامی است

حقل به عنوان موجودی عالمی و بهر اندازه

✓ اولین مفلوق خدا حقل است (حقل اول) که موجودی کاملاً غیر مادی و روحانی است که محفل رنگین (حقل دوم) سوم تا دهم) به ترتیب از آن بوجود آمده اند (رشته علمی و علمی معلومی)

✓ محفل، موجودات معبر و مفلوق عالم طبیعت اند و فیض خداوندی به واسطه و از طریق آنها به عالم دیگری برسد عالم محفل را تشکیل می دهند.

غیر این محفل مفلوق را حقل هاست که بیان رتبه های اسباب است.

🔔 حقل انسان یک حقل پس از حقل دهم است و تنها حقل عالم مادی است که غیر فعال است و بهر برای فعل بستن نیاز به رساندن فیض حقل فعال (حقل دهم) به حقل انسان دارد.

★ حقل تحت فیض رسانی یکی از محفل (حقل دهم و آخرین آنها) یعنی حقل فعال است به حقل فارابی:

«مقام و منزلت حقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب است به چشم»

حقل در معنای دوم

حقل به عنوان قوه استدلال و شناخت؛ چنانکه محمد غنیوفان مسلمان همه کارکردهای محفل و انواع استدلال های تعبیری، تخیلی، بهر حال عقلی معض را در جای خود معتبر و برای کسب دانش درست می دانند. ← نمی توان آنها را به دو گروه تعبیر به گرا و حقل گرا تقسیم کرد.

★ استدلال عقلی را معیار اولی و معتبر یا در هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی می دانند (اما فرزندان دلیل هستیم) ابن سینای گوید: هر کس حادث کرده سفی را بدون دلیل بپذیرد از حقیقت انسانی خارج شده است

اولین مرحله عقل: عقل هیولائی نام دارد و آن هفتای است که انسان هیچ ادراک حقیقی اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، مانند نوزادی که تازه متولد شده است.

دومین مرحله عقل: عقل بالملکله نام دارد. در این مرحله عقل درکی اولی از حقایق مهندوری پدید می آید، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند.

سومین مرحله عقل: مرحله عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکله فاشده و به فعلیت رسیده و با عمل کردن تکرار دانش هایی را کسب کرده است.

چهارمین مرحله عقل: عقل بالمشفاد نام گرفته است زیرا در این مرحله انسان به بلوری برداشتن هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده کند، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را حل می کند و او بگذارد به راهی حل می کند.

بنابراین مبنای مشرک از نظر فلاسفه مسلمان:

① ملک بندیش هر اعتقاد و آئینی استدلال عقلی است

② عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است

③ اعتبار بخشی به عقل در کنار حس و شعور و وحی از نظر فلاسفه این است که حس و شعور را هم معتبر می دانند

و برخی از فیلسوفان مسلمان می گویند نه یاتربیت خود و تهذیب به معرفت شعوری دست یابند.

آنان همچنین وحی را عالی ترین مرتبه شعور و مقصود پیامبران می دانند

📍 عقل شعور و وحی تماماً به یک نتیجه می رسند در همین رابطه ملاحظه فرمایید:

امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق در وسیله الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در مقابل باشد و نفیرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با فکر آن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آن مطابقت نکند

📍 گاه دستاوردهای عقلی ما داده های وحی تعارض هایی به چشم می خورد (تعارض ظاهری و نه واقعی) که ناشی از:

① نوانمندی های عقلی معهود ما ② خطاهایی که در عقل رخ می دهد

ابن سینا در رساله **مکملیه**: از سوی پیامبر به حضرت علمی (مرکز حکمت و فکر و حقیقت و فزنیه عقل) می توصیف به

عملیات عقلانی با تعقل در آفرینش و تفکر در هنگام عبادت

۱۵۲. ۱۵۲. کدام گزینه به عقل، به عنوان وجودی برتر اشاره ندارد؟

- (۱) غیر این عقل تو، حق را عقل هست / که بدان تدبیر اسباب سماس
- (۲) نی که اول دست یزدان مجید / از دو عالم پیش تر عقل آفرید
- (۳) آزمودم عقل دوراندیش را / بعد از این دیوانه سازم خویش را
- (۴) اول آفریدم عقل است / برترین برگزیدهها عقل است

۵۰۳. ۱۵۳. کدام عبارت مورد عقیده فلاسفه مسلمان نیست؟

- (۱) عقل، حس و قلب همگی، راههای اطمینان بخش دستیابی به معرفت اند.
- (۲) استدلال عقلی، شهود و وحی، هر سه ما را به حقیقت می رسانند.
- (۳) قلب، عالی ترین مرتبه شهود است.
- (۴) وقتی عقل به درستی حرکت کند، به همان نتیجه ای می رسد که دین آن را معرفی می کند.

۱۲۰۵. ۱۵۵. کدام مورد، نقش عقل را به عنوان منبع معرفت دینی مطرح می کند؟

- (۱) تفکر در دلایل فرائض دینی مطرح در قرآن
- (۲) لزوم نبوت و نزول وحی بر پیامبران
- (۳) بررسی اهمیت و نقش عقل در متون دینی
- (۴) استخراج حکم جدید از متون دینی

۱۵۵۳. ۱۵۳. در صورتی که برخی از دستاوردهای عقل با داده های وحی متعارض به نظر برسند، با توجه به نظرات ملا صدرا کدام احتمال مطرح نمی شود؟

- (۱) در دستاوردهای عقل خطایی رخ داده است.
- (۲) برخی از داده های وحی را به درستی نفهمیده ایم.
- (۳) آن چه را که به اشتباه، داده وحی تصور کرده ایم، داده وحی نیست.
- (۴) وقتی دستاوردهای عقل، با قرآن و سنت معارض به نظر رسد، باید عقل را کنار گذاشت.

۱۹۰۳. ۱۵۳. کدام عبارت درست است؟

- (۱) این ویژگی، خاص دانش فلسفه است که درستی یا نادرستی گزاره های آن را استدلال و برهان تعیین می کند.
- (۲) فیلسوفان تجربه گرای مسلمان، برخلاف گروه عقل گرا، استدلال تجربی و تمثیل را نیز در جای خود معتبر می دانند.
- (۳) به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، ایمانی که پشتوانه عقلی ندارد، می تواند عامل گمراهی فکری یا عملی انسان گردد.
- (۴) اصل در دانش فلسفه، تقویت مهارت های منطقی و تفکر فلسفی است و دانستن تفکرات سایر فیلسوفان ضرورتی ندارد.

۲۵۳. ۱۵۳. کدام عبارت با نظرات ابن سینا سازگار است؟

- (۱) آن چه که با عنوان «عقل کل» یاد شده، نام دیگری برای خدا است که خود جزئی از عالم عقول است.
- (۲) مرحله عقل بالملکه مرحله ای است که عقل از حالت هیولانی خارج شده و معلومات ساده ای را کسب کرده است.
- (۳) منزلت عقل فعال نسبت به عقل انسان، همان منزلت چشم نسبت به نور است؛ با چشم است که نور مشهود می شود.
- (۴) دستگاه تفکر و استدلال انسان در آغاز بالقوه است و شکوفایی آن مرحله نیازمند عالم عقول است.

۲۵۳. ۲۲۸. ملاک درستی یا نادرستی یک گزاره از نظر یک فیلسوف، کدام است؟

- (۱) بتوان نوعی استدلال در درستی آن گزاره اقامه کرد.
- (۲) عقل بتواند درباره هستی و چیستی آن گزاره بیندیشد.
- (۳) استدلال برهانی، مطابقت آن گزاره را با واقعیت اثبات کند.
- (۴) استدلال های عقلی، سازگاری آن را با مبانی و اصول فلسفه نشان دهد.

۱۴۳. ۱۴۳. کدام عبارت بیانگر نظر فیلسوفان مسلمان است؟

- (۱) استفاده از استدلال های عقلی صرف، ممکن است نتایجی مخالف وحی در پی داشته باشد؛ در این صورت باید با تلاش علمی، از تعارض های ظاهری آن دو کاست.
- (۲) آن چه که معارف وحی را برای غیر پیامبران قابل فهم و استفاده می کند، عقل است و ایمان جاهلانه، همراه کننده و خطرناک است.
- (۳) استدلال عقلی، شهود و وحی، راه هایی برای نیل به حقیقت اند؛ بنابراین در همه موضوعات به نتایج یکسان می رسند.
- (۴) عالی ترین مرتبه شهود که وحی است و به پیامبران الهی اختصاص دارد، فقط از طریق تهذیب نفس قابل دستیابی است.

آغاز فلسفه در جهان اسلام

✓ **حیات عقلی** (توجه به تفکر و عقل و فرهنگ شدن عقلانیت) از ابتدای ظهور اسلام ← از قرن سیزده قرن پیش

حیات فلسفی در جهان اسلام



(حدود قرن ۲ هجری: کندی)

حیات فلسفی ← حیات علمی و حیات فلسفی

◀ زمینه‌های رشد فلسفه در عالم اسلام

✓ **زمینه اول (دعوت قرآن و سنت): مهمترین زمینه**

← با روش‌های بدیع کتاب و سنت

- ← ۱ تفکر: کار با ارزش
- ← ۲ محصول تفکر، علم: ثمره با ارزش
- ← ۳ عالم: انسان با ارزش
- ← ۴ طرح مباحث علمی و فلسفی و ارائه استدلال
- ← ۵ مذمت جهل
- ← ۶ دعوت به یادگیری علم از همه ملل

✓ **زمینه دوم (گسترش مباحث اعتقادی در مسلمانان)**

○ از قرن اول: ظهور متکلمان و دانشمندان دینی متبحر و بحث و استدلال در مسائل فلسفی (از جنس فلسفه)

مانند جبر و اختیار، صفات خداوند، ضرورت معاد، اثبات خدا و ... (مسائل اعتقادی) ناشی از ۴

✓ **زمینه سوم (نهضت ترجمه متون)**

○ از قرن دوم هجری شروع شد (ترجمه علوم گوناگون) از زبان‌های یونانی، پهلوی، لاتین، هندسی، سریانی

○ اهمیت آن ← حنین بن اسحاق (ترجمه هر کتاب ← زر ناب) ناشی از ۶

📍 **حکمای مشاء**

◀ مسلمانان در فلسفه با زمینه‌سازی‌های بالا **معارف پیشینیان** را فرا گرفتند و سرآمد ملت‌های زمان خود شدند

نقد و بررسی آنها



میراث فلاسفه یونان

نظام فلسفی نوین برخوردار از آرای افلاطون و بیشتر ارسطو دارای اندیشه‌های جدید بی‌سابقه

◀ فلسفه اسلامی از آغاز **سرشتی کاملاً استدلالی** داشت چون متکی بر آرای ارسطو (متکی بر قیاس برهانی) بود.



صورت استدلالی قوی

◀ یک نظام فلسفی مستحکم و قوی (**حکمت مشاء**) → ۱- تلاش‌های محکم و استوار فارابی ۲- نبوغ استدلالی ابن‌سینا

◀ ویژگی اصلی حکمت مشاء: صورت استدلالی و الگو گرفتن از ارسطو.

● فلسفه از نظر یک فیلسوف مشائی (ابن سینا)

↓
حکمت

- فنی استدلالی و فکری که به وسیله آن
- انسان عالم (فیلسوف و حکیم) وجود (هستی) را آنچنان که هست به دست می آورد ← تبدیل شدن به جهانی عقلانی درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی
- کمال نفس ← استعداد رسیدن به سعادت نهایی بشری

مقام علمی و فلسفی فارابی (سرآمد در فلسفه، شهرت در استادی حقوق و نجوم و سیاست و دانستن پزشکی و

کتاب
هشتم

نظریه پرداز فلسفه سیاسی نزدیک به افلاطون)

- احصاء العلوم: در کتاب منطق درس نهم: نسبت فن منطق به تفکر مانند ...
- آرای اهل مدینه فاضله: در کتاب فلسفه دوازدهم درس هشتم: نسبت عقل فعال (دهم) به انسان مانند ...
- الجمع بین رأی الحکیمین: به دلیل آشنایی با آرای افلاطون و ارسطو در این کتاب نقاط مشترک اندیشه های آنها را با هم جمع کرده

دلیل لقب معلم ثانی: آشنایی با تعالیم اسلامی + آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و دیگران

عرضه یک نظام فلسفی جدید و تأسیس حکمت مشاء در عالم اسلام
مؤسس ثانوی حکمت مشاء (بعد از مؤسس اول آن: ارسطو)

! فلسفه سیاسی فارابی (با اینکه هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت در سیاست

بسیار اندیشید و نوشت)

انسان به حسب حق الذات خود به اجتماع گرایش دارد.
مسیر کمال و سعادت انسان از زندگی اجتماعی می گذرد پس باید هدف اصلی جامعه و مدینه سعادت دنیا و آخرت باشد.

فلسفه سیاسی

در فلسفه سیاسی تحت تأثیر افلاطون

● انسان موجودی مدنی بالطبع است (انسان شناسی) ← تأثیر بر ...

به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

◀ انواع مدینه ها: فاضله، فاسقه، جاهله، ضاله، تغلب ← همگی کلی و انواع جامعه اند.

مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد ← باید هدف اصلی مدینه و جامعه: رسیدن به سعادت دنیا آخرت باشد.

◀ بهترین مدینه ها: مدینه فاضله ← بدن سالم / تقدم و تأخر بر اساس قدرت عقلی / رئیس مدینه فاضله: پیامبر، امامان و جانشینان

◀ ویژگی اصلی رئیس مدینه فاضله: دارای روحی بزرگ و سرشتی عالی و رسیدن به عالی ترین درجات تعقل و تفکر
← اتصال دائم با ملک وحی (عقل فعال)

با رسیدن به عالی ترین درجات تعقل ← می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند و همین اتصال دائم به عالم بالا به پیامبران امکان هدایت جامعه به سوی سعادت حقیقی را می دهد.

مدینه جاهله در مقابل مدینه فاضله و مهمترین تفاوت با مدینه فاضله در هدف است.

↓
فقط سلامت جسم و فراوانی در لذات دنیوی

○ فقط اگر به لذات دنیوی برسند توهم و گمان سعادت دارند و اگر نرسد گمان و توهم بدبختی دارند.

۱۵۳. ۱۵۳. کدام یک از ویژگی‌های لازم برای زعیم مدینه فاضله فارابی نیست؟

- (۱) نبوت (۲) خردمندی (۳) سرشت عالی (۴) توانایی دریافت احکام و شرایع

۵۰۴. ۱۵۴. مردم مدینه جاهله چنانند که ...

- (۱) سلامت جسم و روح را خیر و خوبی می‌شمردند و در پی آن هستند.
(۲) اگر به سعادت واقعی دست نیابند، گمان می‌کنند که به بدبختی افتاده‌اند.
(۳) یکی از معانی سعادت را کسب لذات دنیوی می‌دانند.
(۴) تعریفی از سعادت دارند.

۱۴۴. ۱۴۴. کدام عبارت با دیدگاه‌های ابن‌سینا سازگاری بیشتری دارد؟

- (۱) شناخت جهان طبیعت به مدد مشاهده، استقرا، روش تجربی و براساس اصول عقلانی امکان‌پذیر می‌شود.
(۲) مشاهده دقیق، استقرا و آزمایش‌های مکرر، دانشمند را به یک بینش کلی نسبت به مراتب وجود می‌رساند.
(۳) با بررسی و مطالعه تجربی تک‌تک موجودات جهان، وجود یک مبدأ که خالق نظام احسن است، اثبات می‌شود.
(۴) هر یک از موجودات عالم، طبیعتی دارد که هم آثار آن موجود را تعیین می‌کند و هم منشاء آثار کل عالم طبیعت می‌شود.

رسید ۱۰



دوره میانی

تألیفات ابن سینا (بیش از دویست کتاب)

- ۱ قانون (در طب): نوعی فرهنگنامه پزشکی و معروف و ترجمه شده به زبان های لاتین، فرانسه، انگلیسی و آلمانی
- ۲ شفا: دایرةالمعارف عظیم علمی و فلسفی او (منطق، طبیعیات، الهیات و ریاضیات)
- الهیات آن: از مهمترین کتب فلسفی در حوزه و دانشگاه و کامل ترین مرجع حکمت مشائی
- ۳ نجات: مختصر شفا
- ۴ انصاف: بیست جزء و بیست و هشت هزار مسئله / غارت شده در حمله غزنویان به اصفهان
- ۵ اشارات و تنبیهات: شامل آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت
- ۶ دانشنامه علایی: شامل ابواب مختلف حکمت / به زبان فارسی / در اصفهان برای علاءالدوله حاکم اصفهان نوشته شده



طبیعت شناسی ابن سینا (طبیعت از نظر او: مرتبه ای از هستی **رو به سوی** مقصدی خاص (در ذات عالم طبیعت است))

- علت نامگذاری عالم ماده به طبیعت: هم اجزای آن، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و هم کل طبیعت هم طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ تحولات و حرکات آن است.
- نظام طبیعت نظام احسن (نیکوترین نظام) است → لطف و عنایت خداوند طبیعت را ایجاد کرده و مطابق حکمت خداوند است.

- از نظر او، طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال (به شرطی که مانعی بر سر آن نباشد) سوق می دهد /

بدی های ظاهری:



- ۱ همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و زمینه ساز کمالند و مایه اعتدال
- ۲ بدی دانستن آنها ناشی از نگاه محدود و جزئی نگر ما است.

- از نظر او، علاوه بر مطالعه عالم طبیعت (کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن = علوم طبیعی) باید رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هم مورد تأمل قرار گیرد



- آنچه محقق و دانشمند را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند و او را دچار خشوع و خشیت در برابر حق می کند: تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء و خدا

حکیم اشراقی (سهروردی): سهرورد زنجان ← مراغه ← اصفهان ← سیر و سلوک ← نوشتن مهمترین کتابش حکمة الاشراق

- **حکمت اشراق (حکمتی نو):** سهروردی ضمن احترام برای ابن سینا کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود به کمال برساند (احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی)
- **حکمت اشراق:** نوعی بحث از وجود (فلسفه)؛ همراهی نیروی **عقل و تربیت استدلال** با **سیر و سلوک قلبی** (از هر دو راه تأیید یکدیگر را بگیرد)

- **قطب‌الدین رازی (حکیم اشراقی):** حکمت اشراق حکمتی است که اساس و بنیان آن، اشراق است و اشراق کشف و شهود و همان حکمت شرقیان اهل فارس ← ظهور انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل:
- **اشراق:** نورافشانی / مفهوم نور: وجود / همه واقعیات نور هستند در **درجات مختلف** که از خداوند (نورالانوار) و نور محض و مطلق ایجاد شده و درجه‌ای از نور او است ← (ذات نخستین

● **جغرافیای عرفانی سهروردی:**

- **مشرق جهان:** نور محض و محل فرشتگان مقرب و نامرئی از موجودات خاکی (به دلیل تجرد از ماده).
- **مغرب وسطی:** آمیختگی نور و ظلمت
- **مغرب کامل:** جهان تاریکی و عالم ماده که بهره‌ای از نور ندارد.

● **دسته‌بندی جویندگان معرفت:**

۱. جويا و مشتاق و دارای عطش معرفت
۲. کمال در استدلال و بی‌بهره از ذوق و عرفان (مشائیان)
۳. فقط به تصفیة نفس و رسیدن به شهود و بی‌توجه به طریقه برهان و فلسفه استدلالی (عرفا)
۴. حکیم (امام) متأله: کمال در صور برهانی و رسیدن به اشراق و عرفان: بهترین دسته (استاد در بحث و غرق در تأله):

- ا ریاست تامه جهان سزاوار او است (نه از راه قهر و غلبه) گاه آشکار و گاه پنهان (خلیفه خدا)
- ب اگر ریاست آشکار داشته باشد و ریاست جهان (جامعه) در دست او افتد جهان نورانی و گرنه تاریک است.
- ج جهان هرگز از او خالی نیست.
- د امور و حقایق را بی‌واسطه از حق تعالی دریافت می‌کند (صاحب مقام ریاست)

(مؤزدهم) (سراسری ۹۷، با تغییر)

۱۵۴. ۱۵۴. کدام مورد از نظر ابن سینا، ویژگی عالم حقیقی شمرده می شود؟

- (۱) نفس او به مراتب بالایی از تجرد ارتقا یافته است.
- (۲) با تحقیق علمی از رازهای طبیعت پرده برمی دارد.
- (۳) به ابعاد ظاهری اشیاء و موجودات توجهی ندارد.
- (۴) با افزایش دانش، خشوع و خشیت او افزایش می یابد.

(مؤزدهم) (سراسری ۹۷، با تغییر)

۱۵۵. ۵۰۵. کدام مورد تصویر مناسب تری از جهان شناسی ابن سینا ارائه می دهد؟

- (۱) تلاش برای درک باطن جهان طبیعت، از طریق تأمل در رابطه آن با مبدا هستی و جهان ماوراء طبیعت.
- (۲) تلاش برای شناخت قوانین طبیعت به کمک مشاهده، تجربه، آزمایش و مبانی مابعدالطبیعه.
- (۳) شناختی که به مدد اصول مابعدالطبیعی به دست می آید و ما را به شناخت واجب الوجود نزدیک می کند.
- (۴) شناخت ابعاد مختلف اشیا با استفاده از تجربه و استقرا، که باعث تقویت خشوع در نهاد دانشمند می گردد.

۱۵۵۴. ۱۵۴. کدام عبارت را می توان از دیدگاه ابن سینا در طبیعت شناسی نتیجه گرفت؟

- (۱) همه موجودات طبیعی، درای طبیعت خاصی هستند که براساس حرکات و تحولات آن ها شکل می گیرد.
- (۲) تحقیقی در ماورای طبیعت، دانشمند را از روابط میان پدیده ها آگاه می کند و به خشوع در برابر حق وامی دارد.
- (۳) با توجه به این که نظام عالم احسن است، داوری در مورد وقایع مخرب طبیعی که خیرند یا شر، غیرممکن است.
- (۴) وجود هر موجود طبیعی، از جهاتی خیر است و از جهاتی دیگر شر؛ اما در مجموعه عالم، وجودش جز خیر نیست.

۱۹۰۴. ۱۵۴. با استفاده از طبیعت شناسی ابن سینا، کدام عبارت درست است؟

- (۱) بندگان عالم خداوند که خشیت او را به دل دارند، کسانی اند که از طبیعت گذشته و در ماوراءالطبیعة تحقیق کرده اند.
- (۲) با وجود خسارت هایی که ملخ های مهاجم به کشاورزان می زنند، نمی توان آن ها را حشراتی بی فایده و مضر به حال طبیعت دانست.
- (۳) بیماری، پیری و مرگ هر چند شر و بدی به نظر می رسند، اما با توجه به نظام احسن، هیچ گونه داوری در مورد آن ها نمی توان کرد.
- (۴) طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و موجودات آن، دستخوش تحولاتی می شوند که منشأ طبیعت آن ها می شود.

۲۵۴. ۱۵۴. براساس تفسیر قطب الدین رازی از حکمت اشراقی سهروردی، پایه اصلی این حکمت کدام است؟

- (۱) کشف و شهود
- (۲) نور عقل آدمی
- (۳) حکمت شرقیان فارس
- (۴) سیر و سلوک و مجاهده

۲۵۴. ۳۲۹. کدام عبارت، تفاوت حکمت اشراقی با حکمت مشایی را به نحو دقیق تری بیان می کند؟

- (۱) بحث و استدلال را برای مطالعه مسائل وجود، کافی نمی داند.
- (۲) اساس آن سلوک معنوی و عرفانی و مجاهدت با نفس است.
- (۳) به جای فلسفه ارسطو و یونان، از حکمت ایران باستان بهره می برد.
- (۴) به جای مسئله واقعیت و وجود، به مسئله نور و مطالب مربوط به آن می پردازد.



دوران متأخر

سفرها	سفر اول: من الخلق الى الحق	سفر دوم: بالحق في الحق	سفر سوم: من الحق الى الخلق بالحق	سفر چهارم: في الخلق بالحق
عمل سالک در مراحل سیر و سلوک عرفانی	کوشش در عبور از طبیعت و عوالم ماورایی و وصول به حق بی حجاب	می‌کوشد به کمک خدا به سیر در اسماء و صفات خدا نماید.	توجه به حق و دیدن خدا در همه چیز و در همه حال	می‌کوشد به کمک حق و به اذن پروردگار مردم را به سوی حق هدایت و کند و سالک راه حق نماید.
مباحث فلسفی	مباحث فلسفی	مباحث فلسفی	مباحث فلسفی	مباحث فلسفی
مباحث فلسفی ملامت‌درا	مباحث فلسفی ملامت‌درا	مباحث فلسفی ملامت‌درا	مباحث فلسفی ملامت‌درا	مباحث فلسفی ملامت‌درا
در کتاب اسفار	در کتاب اسفار	در کتاب اسفار	در کتاب اسفار	در کتاب اسفار

اصول اولیه حکمت متعالیه (نتیجه تکامل دو مشرب فلسفه مشاء و اشراق و انس دائمی ملاصدرا با وحی و قرآن:

برهان عقلی + شهود قلبی + وحی قرآنی)

فلسفه صدرایی یا فلسفه اصالت وجودی که مبتنی بر اصولی ابتکاری از سوی او یا ترکیب تازه‌ای بود.

تعیین‌ها اموری اعتباری است)

۱ اصالت وجود (وجود اندر کمال خویش جاری است

بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدرا که محور فلسفه او است و به همه مباحث او رنگ و بوی اصالت وجودی بخشیده است.

اصالت: واقعی بودن ≠ ذهنی بودن (مصدق خارجی داشتن)

درک دو مفهوم هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) از هر شی خارجی (هر دو مفهوم منشأ خارجی یگانه دارند)

مغایرت مفهوم وجود و ماهیت در ذهن (عین هم و جزء هم نیستند)

شی خارجی که واقعیت یگانه است مصداق و ما به ازای خارجی وجود است یا ماهیت؟

اصالت ماهیت: میرداماد (استاد ملاصدرا): وجود صرفاً ذهنی و ماهیت دارای مصداق واقعی است.

اصالت وجود: ملاصدرا: ماهیت صرفاً ذهنی که از روی وجودهای متفاوت، متناسب با تفاوت‌ها تصورات و مفاهیمی

را انتزاع می‌کند و نامگذاری شان می‌نماید و ماهیت را انتزاع کرده است.

یک واقعیت و دو مفهوم ← ← تمایز وجود و ماهیت ← ← کدام واقعی (اصیل)؟ ← ← دو نظر

حدت حقیقت وجود ←

وحدده هو لا اله الا هو
 که یکی هست و هیچ نیست جز او
 این همه نقش در آینه اوهام افتاد
 حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد
 یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد
 این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

او اول و آخر و ظاهر و باطن به همه چیز علیم است)

◀ از نظر عارفان هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند ← با شهود درک کرده اند.

آب = وجود امواج پست و بلند آن = همان آب با موج و چین و شکن (سایه های یک حقیقت)

◀ ملاصدرا خودش عارف بود و این حقیقت واحد بودن همه هستی را شهود کرده ← سعی در اثبات آن با برهان فلسفی مبتنی بر اصالت وجود؛

◀ مفهوم وجود برخلاف مفهوم ماهیت که جنبه متفاوت و اختصاصی هر موجود است، در همه اشیا یکی است (جنبه مشترک موجودات) ← حال که وجود اصیل است و مشترک ← حقیقت یکی بیش نیست و جایی برای تكثر واقعی وجود ندارد.

مراتب داشتن وجود ←

تشکیک وجود:

(در هزاران جام گوناگون شرابی بیش نیست
 گرچه بسیارند انجم آفتابی بیش نیست
 گرچه برخیزد آب بحر موجی بی شمار
 که سرطان در مورد باشد لیگ و بیش نیست)

○ ملاصدرا برای تبیین دقیق تعدد و تكثر (هرچند آنچه به نظر می رسد متفاوت و کثیر و مختلفانند) ← دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است (مشکک است)

○ وجود، حقیقت واحدی است که در ظهور و تجلی های خود دارای درجات و مراتب است که هر درجه متناسب با بهره وجودی ظهور آن حقیقت واحد یگانه است.

(مثل نور که از منبع، تابش می شود و هرچه دور تر می شود ضعیف تر می شود ترکیبی با ظلمت و نبود نور ندارد).

○ به این ترتیب در فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) «وجود» به عنوان محور فلسفه مشایی با «نور» که اساس فلسفه اشراقی است یک معنا و هویت می یابند و با هم یکی می شوند.

◀ وحدت در عین کثرت، کثرت در عین وحدت:

امکان فقری ←
فقر وجودی

درون مغز او روشن چراغی است	(به هر جا دانه‌ای در باغ و راغی است
وگر نه هیچ ذره نیست بی نور	بود نامحرمان را چشم و دل کور
که چون خورشید یابی جمله ذرات	بخوان تو آیه نورالسموات
یکی نوری است تابان گشته زان پاک)	که تا دانی که در هر ذره خاک

◀ فارغ از نگاه به ماهیت و ممکن‌الوجود بودن آن به وجود و واقعیت نگاه می‌شود و همه موجودات نسبت به وجود محض و مطلق خداوند (وجود برخوردار و غیروابسته)

عین وابستگی و نیاز و ضعف و فقر است ← وجود دوگونه است



۱۵۵. ۱۵۵. سفرهای «در خلق با حق»، «با حق و در حق» و «از حق به سوی خلق، همراه با حق» عرفا، به ترتیب با مباحث و ... ملاصدرا مطابق است.

- (۱) توحید و خداشناسی - نفس و معاد - افعال باری تعالی
(۲) نفس و معاد - افعال باری تعالی - توحید و خداشناسی
(۳) توحید و خداشناسی - افعال باری تعالی - نفس و معاد
(۴) نفس و معاد - توحید و خداشناسی - افعال باری تعالی

۱۵۵. ۱۵۵. کدام عبارت نظر ملاصدرا را به درستی بیان می کند؟

- (۱) از میان دو مفهوم «نسان» و «وجود»، وجود مفهومی واقعی و انسان مفهومی ساخته ذهن اشخاص است.
(۲) ماهیتها اموری ذهنی هستند که ما آنها را به موجودات گوناگون نسبت می دهیم.
(۳) در خارج از ذهن ما، آن چه که واقعاً هست، یک حقیقت است و آن، وجود است.
(۴) با توجه به واقعی بودن وجود، هیچ جایی برای تکثر و کثرت در عالم نیست.

۱۹۰۵. ۱۵۵. کدام عبارت با نظرات ملاصدرا سازگار است؟

- (۱) آن چه اصیل است، وجود است و ماهیت انتزاعی است، یعنی هیچ گونه واقعییتی ندارد.
(۲) میان وجود و ماهیت، وجود امری واقعی و ماهیت مفهومی ساخته و پرداخته ذهن افراد است.
(۳) ذهن عادی و طبیعی انسان، در مسئله اصالت وجود یا ماهیت، حقیقت را وارونه نشان می دهد.
(۴) وحی و شهود را باید در فلسفه به همان نحوی به کار گرفت که عقل و استدلال به کار می روند.

۱۴۵. ۱۴۵. کدام عبارت درباره مشرب فلسفی ملاصدرا نادرست است؟

- (۱) همه مباحث فلسفی وی، از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تبعیت می کنند.
(۲) با آثار عرفا به خوبی آشنایی داشته و در شکل گیری نظام فلسفی او مؤثر بوده است.
(۳) در اثبات برخی حقایق فلسفی، از آیات قرآن به عنوان مقدمات استدلال هایش استفاده کرده است.
(۴) مکتب فکری او ثمره پیوند فلسفه های مشایی و اشراقی و بهره مندی از شهود قلبی و وحی قرآنی است.

۲۵۵. ۱۵۵. با توجه به نظام فلسفی ملاصدرا، کدام عبارت درست است؟

- (۱) برهان خاص ملاصدرا در اثبات خدا، فقط با در نظر گرفتن اصالت وجود، وحدت حقیقت و مراتب داشتن آن، قابل فهم و تبیین است.
(۲) ملاصدرا براساس سه اصل اصالت و وحدت وجود و مراتب داشتن آن، نظام جهان را تبیین می کند و حق را غنی بالذات و خارج از این نظام می داند.
(۳) براساس اصل اصالت وجود، تنوع و کثرتی که در موجودات جهان وجود دارد، حاکی از وجودهای مختلفی است که همگی از وجود یگانه ای هستی گرفته اند.
(۴) تفاوت ملاصدرا با عارفان در مسئله وحدت حقیقت وجود، این است که وی آن را مستدل می کند و نشان می دهد که کثرت، به جنبه ماهوی موجودات باز می گردد.

۲۵۵. ۳۳۰. ملاصدرا کدام عبارت را می پذیرد؟

- (۱) اصالت وجود می گوید اگر برای مثال یک کیوتر را در نظر بگیرید، مابازاء واقعیت، وجود این کیوتر است و کیوتر بودنش، همان وجود داشتنش است.
(۲) ذهن عادی چنین می فهمد که در جهان ماهیت هایی مانند انسان و اسب و شیر هست که مفهوم مشترک وجود را به نحو یکسان از آنها می فهمیم.
(۳) هنگامی که زردآلویی را جلوی چشمان خود می گیریم و با دقت به آن می نگریم، ذهن ما وجود زردآلو را هم، از زردآلو بودن آن نتیجه می گیرد.
(۴) حقیقت مانند کانون نور است که هم نور ضعیف و هم نور قوی در آن هست و ترکیب نور قوی و نور ضعیف، همان ترکیب ماهیت و وجود است.

۱۴۵. ۱۴۵. کدام عبارت درباره مشرب فلسفی ملاصدرا نادرست است؟

- (۱) همه مباحث فلسفی وی، از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تبعیت می کنند.
(۲) با آثار عرفا به خوبی آشنایی داشته و در شکل گیری نظام فلسفی او مؤثر بوده است.
(۳) در اثبات برخی حقایق فلسفی، از آیات قرآن به عنوان مقدمات استدلال هایش استفاده کرده است.
(۴) مکتب فکری او ثمره پیوند فلسفه های مشایی و اشراقی و بهره مندی از شهود قلبی و وحی قرآنی است.

نظریات فلسفه پیرامون وجود و ماهیت :

اگر وجود و ماهیت در ذهن ما ۲ مفهوم مختلف است اما در عالم خارج یک چیز است آن یک چیز چیست ؟

(۱) آن چیز وجود است و ماهیت آن سافندی ذهن بشر است **ملاصدرا**

(۲) آن چیز ماهیت است و وجود سافندی ذهن بشر است **میرداماد**

(۳) آن چیز ماهیت و وجود است که در بیرون از ذهن یک چیز اما در ذهن متفاوت اند **ابن سینا**

